

بررسی وضعیت اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی خلیج فارس در عصر جهانی شدن حقوق بشر بین المللی

فاطمه سادات موسوی^۱؛ ماشالله حیدرپور^۲؛ محمد علی کفایی فر^۳

۱- گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

2120256977@iaui.ac.ir

۲- گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mashallah.heidarpour@iaui.ac.ir

۳- گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

ma.kafaeifar@gmail.com

چکیده

یکی از چالش های حقوق جوامع بشری که همواره به اشکال مختلف تداوم دارد، وضعیت حقوق نابرابر زنان نسبت به مردان است. از سوی دیگر با فرآیند جهانی شدن، اقدامات موثر برای رفع نابرابری های حقوق زنان در کشورهای در حال توسعه قوت یافت. هدف از مقاله حاضر، بررسی نقش جهانی شدن حقوق بشر بر اصلاح نظام حمایت از زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. همچنین با استفاده از روش تحقیق توصیفی-اسنادی به بررسی بررسی کنوانسیون ها و معاهده های بین المللی مرتبط با حقوق زنان و میزان اثرگذاری آنها بر وضعیت حقوق زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس پرداخته شد. متعاقباً سوال اصلی مقاله حاضر این است که وضعیت اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در پرتو توسعه و گسترش حقوق بشر بین المللی در عصر جهانی شدن چگونه قابل تحلیل و ارزیابی است؟ از سوی دیگر فرض بر این است که وضعیت نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی خلیج فارس علی رغم حاکمیت نسبی فرهنگی سنتی، خشونت و تبعیض در قالب اقداماتی نظیر توجه به رفع تبعیض نسبی، پذیرش حق رای، برخورداری اقتصادی و نظارت بین المللی، در پرتو توسعه و گسترش حقوق بشر در عصر جهانی شدن قابل تحلیل و ارزیابی می باشد. بر اساس یافته ها تحقیق، نظام حقوق بشر با محوریت رفع تبعیض، ارتقای جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان، کنترل خشونت مردان علیه زنان کنوانسیون و معاهده های مختلفی را تنظیم کرده است. تدوین راهبردهای اجرایی و ایجاد ضمانت های اجرایی سبب شد تا وضعیت زنان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به لحاظ وضعیت تحصیلی، اشتغال، کرسی های سیاسی و مشارکت های اجتماعی بهبود پیدا کند و با شکل گیری نظام جهانی وضعیت زنان در سه دهه اخیر تا حد زیادی تغییر کرده است. نتایج نشان داد شکل گیری کنوانسیون های بین المللی و حمایت جهانی از حقوق زنان، سبب شد تا وضعیت آموزش، تحصیلات، اشتغال، آزادی های مدنی و حتی مشارکت های سیاسی زنان نسبت به دهه های پیشین در کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش پیدا کند. اگرچه هنوز به طور کامل تغییرات در حوزه زنان ایجاد نشده است، اما با تداوم حمایت های بین الملل و تشکیل اتحادیه و جنبش های داخلی توسط زنان این امر به طور کامل محقق خواهد شد.

کلمات کلیدی: حقوق زنان، حقوق بشر، کشورهای عربی خلیج فارس، جهانی شدن

۱-مقدمه:

در طول تاریخ، توزیع قدرت، برخورداری از مطلوبیت ها و ویژگی های حقوقی، همواره به شکلی نابرابر میان دو جنس زن و مرد شکل گرفته است. موقعیت های تصمیم سازی، توزیع مزایا و به عبارتی قدرت، بیشتر در میان مردان رد و بدل شده است. البته فرهنگ و سنت های تاریخی، به ویژه تسری تفکر مردانه بودن قدرت، تفاوت انگیزه یا علاقه زنان با مردان در کسب قدرت و بسیاری نظرات بی اساس دیگر به این روند کمک کرده است.

متعاقبا متناسب با شرایط اجتماعی، تاریخی و دینی هر سرزمینی قوانین مربوط به زنان دچار نسبيت و تغيير می شود و به همین دلیل جنسیت زن را باید در بستر جغرافیایی خود مطالعه کرد. صاحبان قدرت و حاکمیت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به نسبت دیگر کشورهای توسعه یافته، به دلیل ریشه های سنتی و ایدئولوژیک نظام مردسالارانه، در دهه های اخیر چندان موافق تغییر شرایط زنان در ساختار سیاسی و اجتماعی نبودند اما به دلیل الزامات قوانین بین الملل در حوزه زنان مجبور به ایجاد تغییراتی در حوزه قوانین زنان و خانواده شدند. متعاقبا کنوانسیون ها و نظام حقوق بشر در حوزه زنان با مصوبات و نشست های جهانی و ابلاغ آن به دولت های عضو، به دنبال کاهش نابرابری جنسیتی و کنترل خشونت علیه زنان بودند. البته این موارد، غیراز کنوانسیون ها، مقاوله نامه ها و اساسنامه های سازمان های تخصصی وابسته به سازمان ملل نظیر مقاوله نامه شماره ۱۱ سازمان بین المللی کار، کنوانسیون رفع تبعیض در آموزش یونسکو و اساسنامه رم مربوط به دیوان کیفری بین المللی است که با موازین حقوق بشر هم در ارتباط هستند. در همین راستا می توان گفت از لحاظ تبیین و تشریح مفاهیم و موازین حقوق بشر به صورت فراگیر و جهان شمول و بیان التزام دولت ها به رعایت آنها، تلاش قابل توجهی در سطح بین الملل صورت گرفته و سازمان ملل به نحو شایسته ای وظیفه ای را که منشور ملل متحد در این زمینه به آن سپرده، انجام داده است، زیرا نخستین گام برای تضمین احترام به حقوق انسان ها و جلوگیری از نقش آنها، تبیین و تشریح آن حقوق و فرهنگ سازی برای آن و برقراری التزام قراردادی به منظور رعایت آنها برای دولت هاست که این امر در این اسناد مختلف به نحو مطلوبی انجام شده است. به طور مثال در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) نیز در ماده ۲ مقرر می دارد: دولت های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم کرده، موافقت می کنند که بدون درنگ، سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و بدین وسیله موارد موافقت شده را متعهد می شوند. در همین راستا برخی از موارد موافقت شده شامل وضع و اصلاح قوانین در زمینه رفع تبعیض، حمایت از قانون از حقوق زنان و امثال آن است. همچنین اعمال حق شرط در معاهدات یکی دیگر از راهبردهای اجرایی حقوق بشر می باشد که در راستای اجرای مفاد قوانین حقوق بشر الزام آور است. دولت هایی که می خواهند به یکی از معاهدات بین المللی حقوق بشر بپیوندند و خود را متعهد به اجرای مفاد آن نمایند، ممکن است نسبت به برخی از مقررات آن معاهده، ملاحظات داشته باشند و مایل نباشند نسبت به همه موارد پایبند باشند، در این صورت مشروط یعنی بدین صورت که متعهد به اجرای برخی از مقررات نباشند، بپذیرد و تصویب کنند. به طور کلی در جهان امروز، زنان وضعیت متفاوتی به نسبت مختصات جغرافیایی که دارند، تجربه می کنند. حوزه خاورمیانه یکی از پرچالش ترین مناطق برای زنان بوده است تا جایی که سنت، مذاهب و دیگر عوامل سیاسی و اجتماعی همواره چالش های زیادی را برای زنان ایجاد کرده است که نیاز به مطالعه و تحقق دارد.

متعاقبا جامعه هدف در رساله حاضر منطقه خاورمیانه می باشد که عمدتا بر اساس مستندات و گزارشات علمی و عینی، زنان در وضعیت مناسبی قرار ندارند و عمدتا در چارچوب تاریخی تا عصر معصر همواره مقام فرودستی در مقابل مقام فرادستی مردان را تجربه و زیست کرده اند. به طور کلی منطقه خاورمیانه گروه های فرهنگی و نژادی گوناگونی مانند ایرانیان، آشوری ها، آذربایجانی ها، ترک های آناتولی، کردها، بلوچ ها، عرب ها و بربرها را در خود جای داده است. زبان های اصلی این منطقه عبارت است از فارسی، ترکی آذربایجانی، کردی، لری، بلوچی، آشوری، ترکی استانبولی، عربی و عبری. در برخی زمینه ها واژه بسط یافته خاور میانه به تازگی شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، قفقاز، آسیای مرکزی و آفریقای شمالی شده است که علاوه بر آنچه یادشد زبان اردو و پشتو را نیز در بر می گیرد.

اردن، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، فلسطین، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر و یمن کشورهای واقع در تقسیم بندی خاورمیانه می باشند که در مقاله حاضر با توجه به ویژگی های مشترک در بخش حقوق زنان، دسته بندی می شوند. همچنین بیشتر کشورهای مذکور مسلمان می باشند که از مبانی شرعی و دینی در تعریف حقوق زنان الهام می گیرند؛ در بخش دیگر باید گفت که فرهنگ، عرف، باورها عامه و قراردادهای اجتماعی هریک از کشورهای مذکور در تعیین وضعیت حقوقی زنان اثرگذار است. جایگاه فرودست زنان در جامعه، محرومیت از حقوق ابتدایی، بی توجهی به زنان در بخش تدوین حقوق و مقررات (خانواده، دیه، شغل، حضانت، حق انتخاب و...)، خشونت علیه زنان و بهره کشی جنسی نشان دهنده وضعیت زنان در خاورمیانه است؛ مادامی که حتی زنان از ایدئولوژی ها نوظهور از جمله داعش هم درمان نبودند. در سوریه، عراق و نقاط دیگر، هیولای اسلام گرای جدید «داعش» پس از قتل عام مردان روستاهای تحت تصرف شان، زنان ایزدی و مسیحی را به بردگی جنسی گرفتند. البته تلاش هایی هم از جانب زنان جهت مقابله و رفع تبعیض های جنسیتی صورت گرفته است؛ متعاقبا در تونس، فعالین و معترضین زن با پیوند زدن میان اسلام گرایان معتدل تر و سکولارها و با کمک به تدوین یک قانون اساسی شمول گرایانه تر، نقشی برجسته در عقب نشاندن سلفی ها ایفا کردند. نهایتا همانطور که در مقدمه عنوان شد، ساختار جنسیتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس متأثر از قوانین بین الملل در حوزه حقوق زنان، دچار تغییراتی شد که در این مقاله به سازوکار این تغییرات و نحوه اثرگذاری آن در کشورهای قطر، عمان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی پرداخته خواهد شد. در همین راستا با توجه به عنوان پژوهش در مقاله حاضر ابتدا به پیشینه تحقیق، بررسی مفهوم جهانی شدن، مبانی نظری حقوق بشر، راهبردهای اجرایی حقوق بشر، وضعیت حقوق زنان در خاورمیانه، همبستگی زنان در جهان، یکسان سازی و توسعه نهادهای جدید حقوق زنان در نظام جهان و دیگر موضوعات مرتبط پرداخته خواهد شد.

۲-پیشینه تحقیق:

حاضری و محمدی (۱۳۹۱) در مطالعه ای به تحلیل جامعه شناسانه تنوع جنبش زنان در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه پرداختند. نتایج محققان در این تحقیق نشان می دهد در شرایطی که کشورهای مصر، مراکش و تونس بستر مناسبی برای شکل گیری فمینیسم اسلامی است، کشورهای ایران، لبنان، بحرین، الجزایر و امارات بستر مناسبی برای شکل گیری فمینیسم مدرن و پسامدرن است. همچنین در کشورهایی نظیر قطر، کویت و عربستان به دلیل شکاف میان توسعه انسانی و توسعه جنسیتی امکان شکل گیری جنبش زنان برای به رسمیت شناسایی وجود ندارد.

وردی زاده (۱۳۹۱) در مقاله ای به بررسی تطبیقی حقوق زن در حقوق ایران و سایر کشورها پرداخته است. طبق نتایج تحقیق جایگاه و شخصیت زن در فرهنگ هر جامعه، نشان دهنده میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه است. محقق در این مقاله تلاش نموده تا چالشی که زمینه را برای دستیابی به حقوق از دست رفته زن در دنیا که از او فقط استفاده ابزاری و تبلیغاتی می شود، تا حدی فراهم کند. از دیدگاه محقق انسانی که از جایگاه رفیع خود، فرو کشیده شد و در مرتبه ای بس پایینتر از شان واقعی خود قرار داده شد و از او در رشد و تعالی روح مرد و خانواده، سخنی به میان نیامده و نقشش در به کمال رسیدن معرفت، نادیده گرفته شد.

شجاعت الحسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی به تبیین و بررسی حقوق اجتماعی زنان در ایران و اسناد بین المللی پرداخته است. محقق در این بررسی نتیجه می گیرد که دین مبین اسلام نیز براین عمل انسان ها مهر تایید زد و انسان ها با عنایت به عقل و وحی توانستند قوانینی مدون سازند بدون تردید قوانین اسلام برای انسان بماهو انسان وضع گردیده و اگرچه اسلام برای تحقق حقوق زنان قوانین زیادی را وضع نمود تا زنان را با مردان برابر کند اما بدون تردید به قوانین و دستورات اسلام توجه کافی نشد و باز هم حقوق زنان به صورت لازم اجرا نگردید و قطعاً اسلام فراتر و کامل تر از اسناد بین الملل به توسعه و پیشرفت زنان در جامعه توجه کرده است.

طاهری و مکرمی (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی تعارض های کنوانسیون «رفع تبعیض از زنان» با دیگر اسناد و معاهدات بین المللی پرداختند. طبق نتایج محققان، کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با منشور سازمان ملل (در بحث حاکمیت ملی)، کنوانسیون معاهدات، اعلامیه حقوق بشر (در بحث مادری و ادیان)، کنوانسیون حقوق کودک، سند پکن و حتی با خود این کنوانسیون دارای تعارض های جدی است که این تعارض ها توسط محققان در مقاله حاضر نشان داده شده است. **ژانت آفاری (۲۰۰۴)** در پژوهشی به مطالعه حقوق بشر زنان خاورمیانه ای و مسلمان: پروژه ای برای قرن بیست و یکم- پرداخته است. نتایج مقاله نشان داد رشد جنبش های اسلام گرا از جمله داعش در جهان و ظهور ناسیونالیسم های جدید پس از سقوط اتحاد شوروی، وحشی گری های تازه ای را علیه زنان به راه انداخت. در چند بُرهه ی زمانی، زنان خاورمیانه ای/مسلمان در دهه ی ۹۰ میلادی، با طرح حقوق بشر زنان، مراکز زنان و پژوهش های فمینیستی در دستورکار سیاسی، به دستاوردهای مهمی رسیدند.

۳- مبانی نظری جهانی شدن حقوق بشر

جهانی شدن به عنوان مفهومی که هم به در هم فشرده شدن جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. با ایجاد فشردگی زمان و مکان، و امکان فضا مند شدن زندگی اجتماعی در فضایی که به شدت مرکزیت زدایی شده، باعث ایجاد آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل، به عنوان محوری ترین و مهمترین موضوع در شناخت ابعاد و تأثیراتی که فرایندهای جهانی شدن در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسانها بر جای میگذارد، فراهم آورده است. بنابراین، می توان گفت، جهانی شدن با رسوخ پذیری اندیشه حقوق بشر در قوانین اساسی و سازمان های سیاسی-اجتماعی کشورهای مختلف، فرهنگ حقوق بشری را در قوانین اساسی و شکل بندی اجتماعی کشورهای گوناگون وارد نموده و بدین طریق زمینه را برای جهانی شدن حقوق بشر فراهم آورده است. در واقع، جهانی شدن حقوق بشر با تبدیل قواعد حقوق بشر به عرف بین الملل و در نهایت، تلاش برای «آمره شدن» آن قواعد، باعث شده تا حمایت از حقوق بشر در نظام بین الملل پس از گذشت بیش از پنجاه سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از جایگاه درجه دوم در سیاست بین الملل، به جایگاه درجه اول ارتقا پیدا نماید و از اهمیت و اولویت درجه اول در روابط بین الملل برخوردار گردد. بر این اساس، شاهد آن هستیم که استقبال جامعه بین المللی در همه مناطق جهان نسبت به استانداردهای حقوق بشر و غیر قابل انکار بودن همه اصول آن، به ویژه استثناء بردار نبودن ضمانت اجرای حقوقی نظیر: حق حیات، آزادی بیان و اندیشه، منع شکنجه، منع برده داری و بندگی، آزادی عقیده و مذهب و ... موجب شده، تا نقض حقوق بشر در قرن بیست و یکم برابر با نقض اصول آمره حقوق بشر باشد و نقض قواعد آمره مترادف با تهدید صلح و امنیت بین الملل قلمداد گردد. در این بین، نکته مهم آنکه اگر چه اختلافات ناظر در اجرای حقوق بشر در روابط بین الملل به عنوان یک موضوع اختلاف را همچنان باقی مانده است، اما از آنجایی که در عصر جهانی شدن، هسته اصلی جهان شمولی فرهنگ نوین و جهانی شدن آن، اندیشه حقوق بشری است و اندیشه حقوق بشر، مبنای اصلی فرهنگ نوین می باشد، با جهانی شدن آن، فرهنگ جدید نیز جهانی میشود. در واقع، جهانی شدن حقوق بشر تلاش دارد با توجه به فلسفه وجودی و هدف غایی اصول حقوق بشر که احترام، حمایت و حفاظت از حیثیت ذاتی انسان برخاسته از جهانی شدن فرهنگ حقوق بشری است، با طرح خود به عنوان ویژگی دائم و پایدار سیاست جهانی برای قرن ۲۱ زمینه را برای تسریع در فرآیند شکل گیری فرهنگ صلح در روابط بین الملل فراهم سازد (گودرزی و کفاش نیری، ۱۳۹۸: ۲۳). مسائل برابری جنسیتی در مناطق جغرافیایی و فرهنگ های مختلف متفاوت است، متعاقباً مسائل زنان علی رغم اشتراکاتی که دارد، باید به تفکیک مناطق جغرافیایی مورد بررسی قرار بگیرد، چراکه عمدتاً چالش های جنسیتی در منطقه خاورمیانه یا کشورهای اروپایی تفاوت هایی هم دارد (هوا، ۲۰۲۴).

۳-۱: مفهوم جهانی شدن:

جهانی شدن به صورتهای گوناگون تعریف شده است و هر یک از صاحب نظران از وجهی بدان پرداخته اند: «مک گرو» در خصوص جهانی شدن چنین می گوید: «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولتها (و در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می گسترند و نظام جدید جهانی را می سازند. جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیتهای یک بخش از جهان می تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخشهای بسیار دور کره

زمین در بر داشته باشد. یکی از ویژگیهای اصلی جهانی شدن ارتباطات متقابل است، اما بر خلاف وابستگی متقابل که بر دو جانبه بودن تأکید دارد، جهانی شدن امکان وابسته شدن را نیز در نظر می آورد. مفهوم جهانی شدن به اهمیت نظم دهی مجدد زمان و مکان اشاره دارد. نظریه پردازان وابستگی متقابل، نگاه خود را روی بین المللی شدن روابط بین الملل متمرکز ساخته اند، در حالی که نویسندگانی که در پارادایم جهانی شدن قلم می زنند از حرکت به سوی یک جامعه جهانی سخن می گویند. در دیدگاه برخی صاحب نظران جهانی شدن با انحصار همخوان نیست، یعنی جهانی شدن این واقعیت را می پذیرد که انحصاری بودن یک واقعیت است و نه یک امکان تاریخی. در نظر برخی دیگر از صاحب نظران، جهانی شدن به عنوان یک مفهوم هم به کوچک شدن جهانی و هم به تقویت آگاهی از جهان اشاره دارد (نقیب السادات، ۱۳۷۹). در همین راستا همزمان با اصلاحات حقوقی و سیاسی در سطح جهان و افزایش روند برابری زن و مرد، روی آمدن تعداد بیشتری از زنان در سطوح بالای تصمیم گیری های کلان و نیز مشارکت در فضاهای اجتماعی و... محقق شد. حضور متناسب و صحیح زنان در نظام های اجتماعی نشانگر اهمیت مشارکت آنان در موفقیت پایدار نظام ها بوده است. متعاقباً حضور زنان در جامعه و توجه به حقوق آن ها، متناسب با ویژگی های فطری و فرهنگی که در خود دارند، نقش موثری را در فرآیند توسعه اجتماعی و اعتلای اخلاقی جامعه ایفا می کنند (شیبانی و ماجدی، ۱۳۹۵).

۴- توسعه و گسترش حقوق بشر جهانی در حوزه زنان

حقوق زنان و برابری جنسیتی، به ویژه در نسل کنونی، به دلیل افزایش تعداد زنانی که به دنبال ارتقای جایگاه اجتماعی و کسب مشاغل هستند، با موافقان و مخالفان زیادی مواجه است، به ویژه در برابر نسل های قدیمی که گمان می کنند وظیفه زنان فقط در خانه و خدمت به همسرانشان است. آنها اجازه ورود به نیروی کار، سیاست یا حتی حاکمیت را ندارند. مقاومت مردان که در گروه های قدرت و حاکمیت حضور دارند، سبب شد همواره اعتراضاتی از سوی زنان صورت بگیرد تا در فرآیند جهانی شدن این مسئله مورد توجه نهادهای بین المللی قرار بگیرد. مسائل جاری زنان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نهادهای بین المللی را قادر می سازد تا در پرداختن به مسائل مربوط به حقوق زنان و برابری جنسیتی با دیدگاه های مختلف از چهار مکتب فکری در پرداختن به این موضوعات و دیدگاه های مختلف اجتماعی در مورد مشارکت زنان در سیاست، امور اجتماعی، حکومت داری و نیروی کار، تجزیه و تحلیل و دیدگاهی جامع داشته باشند. و از سوی دیگر مردان علاوه بر این، دیدگاه های اجتماعی، به ویژه از نسل های قدیمی تر، وجود دارد که هنوز دیدگاهی مردسالارانه نسبت به زنان دارد (نورماواتی، ۲۰۲۴). جهانی شدن حقوق به عنوان بخش خاصی از جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که به همسان سازی و یکسان سازی قواعد، مفاهیم و نهادهای حقوقی خاص در سطح داخلی و بین المللی می انجامد. این فرآیند، تمام قلمروهای هنجاری یا تمام قلمروهای سرزمینی را به طور یکنواخت پوشش نمیدهد، اما تأثیرات عمده و جریان سازی را بر نظامهای حقوقی داخلی و بین المللی برجای می گذارد. کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۲)، کنوانسیون تابعیت زنان متأهل (۱۹۵۷)، کنوانسیون رضایت برای ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج (۱۹۶۲)، نخستین گام ها در جهت تحقق همسان سازی جهانی قوانین با هدف حمایت از حقوق زنان می باشند، اما مهمترین آنها، کنوانسیون امحای کلیه ی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) است که گامی جدی و جهانی در راستای اصل منع عدم تبعیض جنسیتی زنان به شمار میرود. باید دانست که جهانی شدن نهادها و هنجارهای قانونی، زمانی که منجر به دگرگونی در ارزشهای بنیادی و رویه های فرهنگی شوند و در سطوحی مانند جنسیتی، نژادی، مذهبی، خانوادگی، طبقاتی، حق حاکمیت رخ دهند، ممکن است به مناقشات و مقاومت های بزرگی بیانجامد؛ برای مثال، بدیهی است که باید مقاومت داخلی بیشتری درباره ی تغییرات رادیکال هنجارهای مربوط به روابط جنسیتی و حقوق زنان نسبت به تغییرات مقررات روابط تجاری وجود داشته باشد. از این امر استنباط می شود که رشته های مختلف حقوق به نحو متفاوتی در معرض جهانی شدن هستند. گذشته از این، به میزانی که جهانی شدن بسط می یابد، حقوق تطبیقی نیز بیش از پیش ضروری میشود. در واقع منطقی آن است که برای ساختن و شکل دادن به یک حقوق جهانی متکثر، از ارزیابی نقاط اشتراک و افتراق و همچنین خلاء ها و موارد

سکوت آغاز شود. به تعبیر دیگر، توجه به سیستم‌های حقوقی متفاوت که کشورها در شیوهی قانونگذاری از آن تبعیت میکنند و مبانی حقوقی ای که خود را ملزم به تبعیت از آن می‌دانند، یا ملهم از آن هستند، سبب می‌گردد تا پذیرش این قواعد و قوانین حقوقی در کشورها با سهولت بیشتری امکان پذیر باشد. در غیر این صورت، انطباق نمادین ملتها در تصویب قوانین موضوعه ی ملی، معمولاً در مراحل اجرایی با مشکل مواجه میگردد، که این امر بیانگر شکاف سنتی میان قانون در کتابها و قانون در عمل است (رفیعی و دباغی، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

۵- راهبردهای اجرایی حقوق بشر

تمهیدات مختلف بین المللی مشخصاً پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل، برای جلوگیری از نقض حقوق بشر یا کم کردن دامنه آن، اتخاذ شده است. این تمهیدات و سازوکارها به اختصار عبارت است از: تدوین و تصویب اسناد متعدد بین المللی، تبیین موازین و مفاهیم حقوق بشر، سوق دادن دولت ها به سمت تصویب آن اسناد، ایجاد التزام و تعهد قراردادی برای اجرای آنها و نیز تاسیس نهادهای گوناگون نظارتی و اجرایی که جدیدترین آنها شورای حقوق بشر و دیوان کیفری بین المللی است. البته جز دیوان کیفری بین المللی که می تواند تصمیمات اجرایی بازدارنده بگیرد، سایر سازوکارهای نظارتی، از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیستند.

۵-۱: گسترش نهادها و سازمان های غیردولتی حقوق بشر

سازمان های غیردولتی از مهمترین و موثرترین نهادهای جامعه مدنی به شمار می آیند. به ویژه در طول سه دهه گذشته این شخصیت های غیرانتفاعی که اعضای آن شهروند یا اجتماعی از شهروندان یک یا چند کشور هستند که نوع فعالیت شان برحسب خواست جمعی اعضای آن در پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می کند، تعیین می شود، در جهت تضمین حقوق بشر مطرح و در راستای اسناد بین المللی گام های بلندی برداشته اند. بررسی عملکرد سازمان های غیردولتی مختلف نشان می دهد که این سازمان ها به منظور ارتقای حقوق بشر در داخل کشور خود عمدتاً به اشکال ذیل عمل می کنند:

الف: اقدامات مربوط به ترویج و آموزش حقوق بشر همچون جمع آوری تولید و انتشار اطلاعات و برگزاری دوره های آموزشی
ب: اقدامات مربوط به یاری رساندن به دولت در پیشبرد حقوق بشر به عنوان نمونه از طریق ارائه مشورت به نهادهای دولتی در زمینه قانونگذاری و اجرای قوانین حقوق بشری، اصلاح نظم قضایی در جهت تضمین دادرسی عادلانه و نیز اجرای مفاد اسناد بین المللی

ج: پیگیری و پی جویی موارد نقض حقوق بشر که از طریق شکایت نسبت به آنها آگاهی یافته اند (غلامی، ۱۳۹۵).
در طول سه دهه گذشته این شخصیت های غیرانتفاعی که اعضای آن شهروند یا اجتماعی از شهروندان یک یا چند کشور هستند که نوع فعالیت شان برحسب خواست جمعی اعضای آن در پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می کند تعیین می شود، در جهت تضمین حقوق بشر مطرح و در راستای اسناد بین المللی گام های بلندی برداشته اند (رمضانی و مشهدی، ۱۳۹۴). در همین راستا تقویت، بهسازی و اجرای حقوق بشر از مهم ترین عرصه هایی است که سازمان های غیردولتی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی، نقش های عمده ای را در آن ایفا می کنند. در این عرصه، نهادهای عمومی و دولتی نیز در جهت ارتقای هرچه بیش تر حقوق بشر با سازمان های غیردولتی مشارکت می کنند. در این فرایند، رژیم حقوق بشر به صورت شبکه ای عمدتاً فراملی است که در آن اقدامات بخش غیردولتی و دولتی به هم پیوند می خورد و حقوق بشر را به

عنوان «سیاست عمومی جهانی» مطرح می سازد. شبکه سیاستگذاری عمومی جهانی برای حقوق بشر در این معنا عبارت از پیوستگی بین ارگان های دولتی، سازمان های بین المللی و جامعه مدنی است که برای دستیابی به اهدافی که به تنهایی قادر به تحقق آن ها نیستند، اقدام می کنند. به علاوه، سازمان های غیردولتی نقش های مکمل نظارتی و اجرایی برای سایر اجزا در این شبکه ایفا می کنند، به نحوی که بدون حضور آنان نظام حقوق بشر جهانی از مختصات یک سیستم کامل و بدون نقص برخوردار نیست (شریف شاهی و جلالی، ۱۳۹۱).

۵-۲: الزامات نوین حقوق بشری جهانی:

نوع دیگری از الزامات نوین شامل اسناد بین المللی حقوق بشر، معاهده و قرارداد بین دولت های مختلف با میدان داری سازمان ملل متحد است. متن این اسناد نیز توسط برخی ارگان های سازمان ملل، معمولاً کمیسیون حقوق بشر تا قبل از تبدیل آن به شورای حقوق بشر، تهیه، تدوین و به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد با رای اکثریت دولت های عضو حاضر می رسد ولی برای لازم الاجرا شدن، باید به تصویب مراجع صالح قانون گذاری هر کشوری برسد. دولت هایی که این اسناد را در مراجع قانونی خود به تصویب می رسانند، از یک سو آن را جزء قوانین داخلی خود در آورده و همانند دیگر قوانین مصوب داخلی، ملزم به اجرای آنها می باشند و از سوی دیگر، از منظر بین المللی، طرف قرارداد با سایر دولت هایی که این معاهده را تصویب کرده اند و سازمان ملل متحد را ناظر خود قرار داده اند، هستند. در نظام حقوقی برخی از کشورها، اعتبار این نوع معاهدات در حد قوانین داخلی کشور است.

به طور مثال در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) نیز در ماده ۲ مقرر می دارد: دولت های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم کرده، موافقت می کنند که بدون درنگ، سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و بدین وسیله موارد موافقت شده را متعهد می شوند. همچنین اعمال حق شرط در معاهدات یکی دیگر از راهبردهای اجرایی حقوق بشر می باشد که در راستای اجرای مفاد قوانین حقوق بشر الزام آور است. دولت هایی که می خواهند به یکی از معاهدات بین المللی حقوق بشر بپیوندند و خود را متعهد به اجرای مفاد آن نمایند، ممکن است نسبت به برخی از مقررات آن معاهده، ملاحظاتی داشته باشند و مایل نباشند نسبت به همه موارد پایبند باشند، در این صورت مشروط یعنی بدین صورت که متعهد به اجرای برخی از مقررات نباشند، بپذیرد و تصویب کنند. این نوع پذیرش، یک معاهده بین المللی را پذیرش با حق شرط یا رزرو می گویند. کنوانسیون بین المللی ۱۹۶۹ وین در مورد مقررات مربوط به معاهدات بین المللی، حق شرط را چنین تعریف می کند: «بیانیه یک جانبه ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موضع امضا، تصویب، قبول، تایید یا الحاق به یک معاهده صادر می کند و به وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می دارد. در برخی از معاهدات بین المللی حقوق بشری، تصریح شده که دولت ها، می توانند به هنگام امضا یا تصویب معاهده، تحفظ و حق شرط خود را نسبت به برخی از مقررات آن معاهده، اعلام دارند. به طور مثال کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (ماده ۲۸) بر اصل اعمال حق شرط به هنگام امضا، تصویب و یا الحاق، صحه گذاشتند. در همین راستا تمهیدات نظارتی و اجرایی بین المللی در زمینه حقوق بشر، با محوریت اتخاذ تمهیدات و سازوکارها و تشکیل نهادهایی تعریف می شود که پیگیر اجرای آن موازین بوده و بر رفتار و اقدام دولت های عضو، در قبال تعهدات حقوق بشری خود نظارت داشته و ضمانت اجرایی برای آن در نظر می گیرند (مهرپور، ۱۳۸۸: ۱۰).

۵-۳: قرائت های جدید از همبستگی جهانی زنان:

در راستای فلسفه و چرایی نابرابری های اجتماعی، گرت معتقد است تفاوت های اجتماعی مبتنی بر جنسیت (مردان و زنان) کاملاً ساخته ذهن انسان است و تحلیل آن نیز از منظرهای گوناگون امکان پذیر است؛ تحلیلی مبتنی بر کنکاش در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی (گرت، ۱۴۰۳). یکی از راهکارهای اصلی تغییر مثبت جایگاه زنان، تدوین قوانینی مشخص و حمایت از حقوق زنان می باشد. حقوق زنان اصطلاحی است که اشاره به آزادی و حقوق زنان در تمامی سنین دارد و البته ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشوند (هاسکن، ۱۹۸۱). متعاقباً در حوزه مسئله جهانی شدن و حقوق زنان، موضوعاتی از قبیل برابری جنسیتی، حقوق باروری، مسئله خشونت و سوء استفاده علیه زنان، ارتقای وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان، تحصیلات و اشتغال به عنوان قرائت های جدید از حقوق زنان تبیین و در چارچوب حقوق بشر به صورت اعلامیه و معاهده پیگیری شده است. موضوعات و دغدغه های مشترک زنان در نقاط مختلف جهان همبستگی نوینی را خلق کرده است که می تواند دیدگاه حاکمیت ها را نسبت به زنان تغییر داده تا بتوانند وضعیت خود را در تمام ملت های به شکلی برابر و همسان تغییر دهند. قرائت جدید از همبستگی جهانی زنان، نشان داده است که مفهوم زن فراتر از یک ملیت تعریف و به شکلی جهانی قابل تبیین و استنباط می باشد. در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، چپ ها و سازمان های کارگری به گروه های زنان پیوستند و خواستار دستمزد برابر، فرصت های اقتصادی برابر، حقوق قانونی برابر، حقوق باروری، مراقبت از کودکان و جلوگیری از خشونت علیه زنان شدند. سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ جشن روز جهانی زنان را آغاز کرد که به عنوان سال جهانی زن اعلام شده بود. در سال ۱۹۷۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کشورهای عضو دعوت کرد تا ۸ مارس را به عنوان تعطیلی رسمی سازمان ملل برای حقوق زنان و صلح جهانی اعلام کنند. از آن زمان به بعد این روز هرساله توسط سازمان ملل متحد و بسیاری از کشورهای جهان گرامی داشته می شود و هر سال بر موضوع یا موضوع خاصی در زمینه حقوق زنان تمرکز دارد (گیلز، ۲۰۱۷).

۶- فرآیند اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

زنان در خاورمیانه، مانند سایر زنان در سراسر جهان، در خط مقدم تلاش برای تغییرات سیاسی، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند و برای رفع یک بیماری همه گیر جهانی به نام نابرابری حقوق زنان تلاش می کنند (ماها یحیی، ۲۰۲۰). کشورهای خلیج فارس یا کشورهای عربی عضو خلیج فارس یا به کشورهای و دولت هایی گفته می شود که سواحل و دسترسی به آب های خلیج فارس دارند و معمولاً به این کشورها عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می شود. در همین راستا وضعیت زنان در کشورهای قطر، عمان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی، به عنوان جامعه هدف مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش از مقاله با بررسی وضعیت تاریخی و فعلی زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مولفه های داخلی اثرگذار بر اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. با نگاهی به تاریخچه وضعیت زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، باید گفت تا قبل از سه دهه اخیر، زنان از بسیاری حقوق اجتماعی و مدنی در جامعه محروم بودند و پس از شکل گیری نظام جهانی در حوزه حقوق زنان و برقراری تعاملات بین کشورهای مذکور با جهان، وضعیت زنان در سه دهه اخیر تا حد زیادی تغییر کرده است.

۷- افکار عمومی و گسترش شبکه های اجتماعی حقوق زنان:

امروزه، شبکه های اجتماعی قوی ترین ابزارها برای طرح و رواج اندیشه ها و کارآمدترین وسایل برای نفوذ فرهنگ ها و نگرش ها به قلب جوامع اند. از این روی، نامشان سرفصل بسیاری از مباحث اجتماعی قرار گرفته است و در این میان، مبحث «زن و رسانه ها» از

اصلی‌ترین موضوعاتی است که طی دهه گذشته، اندیشمندان و جامعه‌شناسان و به‌ویژه، دست‌اندرکاران مسائل زنان به آن پرداخته‌اند. به عبارتی، کارکردهای ارتباطی کاملاً منحصر به فرد شبکه‌های اجتماعی در قیاس با رسانه‌های سنتی، موضوع آثار و کارکرد آن را بر زنان و ارزش‌های اساسی حاکم بر این حوزه به موضوع مهمی در ادبیات و برنامه‌های پژوهشی پیرامون شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید تبدیل کرده است (بخشی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷). شبکه‌های اجتماعی نوین به عنوان یک رسانه تاثیرگذار در ایجاد فضایی باز و گسترده برای کاربران خود، بویژه زنان نقش مهمی را ایفا کرده است. در سال‌های اخیر، گسترش ضریب نفوذ اینترنت در جهان و عضویت در شبکه‌های اجتماعی رشد چشمگیری داشته است (باوی و همکاران، ۱۳۹۸). شبکه‌های اجتماعی بر افزایش میزان خوداظهاری زنان دامن زده اند و این امکان را برای آنها فراهم کرده که صدای خود را به گوش دیگران برسانند. در همین راستا اگر زنی در زمینه اجتماعی بخواهد خود بیانگری داشته باشد و بخواهد اطلاعات و دانش خودش را با دیگران به اشتراک بگذارد و یا حتی در معرض داوری دیگران قرار دهد و از طرف دیگر بتواند بازخورد دریافت کند، این شبکه‌ها خیلی به او کمک می‌کنند (عبداللهیان و هومن، ۱۳۹۸: ۱۵۱).

۸- گسترش سازوکار نظارتی بر حقوق زنان

با لحاظ تعهدات در حوزه حقوق زنان و به‌منظور تحصیل این واقعیت، که دولت‌ها در راستای انجام وظایف خویش اقدام مثبت انجام می‌دهند، مجموعه سازوکارهای نظارتی در اسناد بین‌المللی تعریف و شکل گرفته است. در همین راستا در ادامه، به مهم‌ترین این نهادهای حقوقی اشاره می‌شود.

۱-۸: راه‌اندازی کمیته‌های خاص

از مهم‌ترین سازوکارهای تعریف‌شده در اسناد بین‌المللی، تأسیس کمیته‌های خاص نظارتی است. این رویکرد، که از سال ۱۹۶۶ شکل گرفته، زمینه‌ای مناسب برای وادار کردن دولت‌ها به انجام تعهدات خویش فراهم آورده است. مهم‌ترین اسناد حقوق بشری، که از چنین شیوه‌ای استفاده کرده‌اند، عبارتند از:

- الف. کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۶) با عضویت ۱۷۳ کشور جهانی.
- ب. کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) با عضویت ۱۸۵ کشور جهانی.
- ج. کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴) با ۱۴۴ کشور عضو.
- د. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) با عضویت ۱۹۳ کشور.
- ه. کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان (۱۹۹۰)، با ۳۷ کشور.
- و. کنوانسیون بین‌المللی برای محافظت از همه اشخاص از ناپدید شدن‌های اجباری (۲۰۰۶). با ۶۱ کشور.
- ز. کنوانسیون مربوط به حقوق معلولان (۲۰۰۶) با ۲۰ کشور.

۲-۸: صدور اعلامیه‌های خاص

سازمان ملل متحد معیارها و مقررات فراوان دیگری درباره حمایت از حقوق بشر تصویب کرده است. این اعلامیه‌ها، ضوابط رفتاری و اصول معاهده‌ای نیستند که کشورها عضو آنها شوند، بلکه به دلیل آنکه با اجماع کشورها تصویب شده‌اند، تأثیر مهمی در اجرای مقررات حقوق بشری دارند.

از جمله مهم‌ترین این اسناد، عبارتند از: اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲)، اعلامیه مدافعان حقوق بشر (۱۹۹۸)، حداقل مقررات استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، اصول اساسی مربوط به استقلال قوه قضائیه (۱۹۸۵) و مجموعه اصول ناظر بر حمایت از همه اشخاصی که تحت هر شکلی در بازداشت یا زندان هستند (۱۹۸۸). هدف اصلی از صدور این اعلامیه‌ها، از یک‌سو، تبیین روشن وظایف دولت در انجام تعهدات خویش در قالب ترسیم خطوط کلی و از سوی دیگر، افکار عمومی و آشنا نمودن افراد به مطالبات بر حق خویش می‌باشد. نتیجه این رفتار و اقدام مجامع بین‌المللی، مواجه شدن دولت‌ها با افکار عمومی آگاه می‌باشد. روشن است که دولت‌ها در این شرایط، باید پاسخ قانع‌کننده‌ای برای شهروندان خویش داشته باشند. رویکرد فوق، رویکرد کنترلی توسط افراد می‌باشد.

۳-۸: گروه‌های کاری و گزارشگران

این گروه‌ها، که در ارتباط مستقیم با عملکرد دولت‌ها هستند، از دیگر سازوکارهای نظارتی بر حقوق بشر و اجرای آنها توسط دولت‌ها می‌باشند. این گروه‌ها، موارد نقض را بررسی می‌کنند. این افراد با امکانات شخصی خود به مدت شش سال فعالیت می‌کنند. گزارش آنها به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال می‌شود. بخش مهمی از تحقیقات در محل انجام می‌پذیرد و گزارش آنان منتشر می‌شود. گزارشگران ویژه کشور، نمایندگان و کارشناسان مستقل و همین‌طور گزارشگران ویژه، نمایندگان و گروه‌های کاری، درباره موضوع‌های مختلف گزارش می‌دهند، مانند خشونت علیه زنان، قاچاق انسان، تخلیه غیرمجاز محصولات و پسماندهای سمی و خطرناک، تروریسم، نژادپرستی، شکنجه، مردمان بومی، آزادی‌های مختلف مدنی و سیاسی، مزدوران، مهاجران و بدهی خارجی (راعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).

۴-۸: نهادها و تشکیلات حقوق بشری

راه‌اندازی شورای حقوق بشر، که در مارس ۲۰۰۶ به تصویب مجمع عمومی رسید و با ترکیب ۴۷ عضو انتخابی از سوی مجمع عمومی با رأی مخفی، تأسیس کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر، که در سال ۲۰۰۹ جای خود را به کمیته مشورتی شورای حقوق بشر داد. ایجاد کمیسیون عالی حقوق بشر، سازمان ملل متحد، که دارای مسئولیت اصلی فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر که کانون مرکزی فعالیت‌های حقوق بشری سازمان ملل است، و مهم‌تر از همه خود سازمان ملل به عنوان قانون‌گذار، ناظر، مرکز ارتباطی، مدافع، تحقیق‌کننده و به عامل کشف حقیقت، و در نهایت به‌منزله یک دیپلمات، اصلی‌ترین نهادهای حقوق بشری ناظر را تشکیل می‌دهند (همان).

۹-۹: فرآیند اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی

کشورهای خلیج فارس یا کشورهای عربی عضو خلیج فارس یا به کشورها و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های خلیج فارس دارند و معمولاً به این کشورها عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می‌شود. در همین راستا وضعیت زنان در کشورهای قطر، عمان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی، به عنوان جامعه هدف در رساله حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فرهنگ، عرف، باورها عامه و قراردادهای اجتماعی هریک از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در تبیین و تعیین وضعیت حقوقی زنان اثرگذار است. جایگاه فرودست زنان در جامعه، محرومیت از حقوق ابتدایی، بی توجهی به زنان در بخش تدوین حقوق و مقررات (خانواده، ديه، شغل، حضانت، حق انتخاب و....)، خشونت علیه زنان و بهره‌کشی جنسی نشان دهنده وضعیت

زنان در خاورمیانه است؛ مادامی که حتی زنان از ایدئولوژی‌ها نوظهور از جمله داعش هم در امان نبودند. در سوریه، عراق و نقاط دیگر، هیولای اسلام‌گرای جدید «داعش» پس از قتل عام مردان روستاهای تحت تصرف‌شان، زنان ایزدی و مسیحی را به بردگی جنسی گرفتند. البته تلاش‌هایی هم از جانب زنان جهت مقابله و رفع تبعیض‌های جنسیتی صورت گرفته است؛ متعاقباً در تونس، فعالین و معترضین زن با پیوند زدن میان اسلام‌گرایان معتدل‌تر و سکولارها و با کمک به تدوین یک قانون اساسی شمول‌گرایانه‌تر، نقشی برجسته در عقب‌نشاندن سلفی‌ها ایفا کردند. آن‌ها در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ نقش مهمی در شکست اسلام‌گرایان داشتند (جانت، ۲۰۰۴). در همین راستا گزاره‌های مذکور نشان دهنده وضعیت بغرنج حقوق زنان در خاورمیانه است که نیاز به بازآفرینی در قالب یک ساختار حقوقی مشخص و معقولی احساس می‌شود. متعاقباً سنجش رعایت حقوق زنان در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه، باید در قالب یک گفتمان جهانی، معقول و مشترک به نام حقوق بشر صورت بگیرد. حقوق بشر به طور کلی «آزادی‌ها، مصونیت‌ها و منافع است که از طریق ارزش‌های پذیرفته شده معاصر، تمام انسان‌ها باید قادر به ادعای آن باشند؛ متعاقباً این حقوق بنیادین یا طبیعی اند. به عبارت دیگر همه افراد از این نظر که انسان‌اند از حداقل حقوقی برخوردارند که ربطی به تابعیت، مذهب، نژاد یا جنس‌شان ندارد و دولت‌ها در روابط بین‌المللی میل دارند که این حداقل حقوق را رعایت کنند. این در حال است که حضور زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به دلیل نوع نگاه حاکمیت و مواضع برخی جریان‌های سیاسی و دینی، همواره یکی از مسائل و دغدغه‌های مورد بحث در سطح جامعه بوده است. کشورهای حوزه خلیج فارس هرچند گشایشی در فضای سیاسی داخلی ایجاد نکرده‌اند، در دو دهه گذشته نسبت به مسئله حضور زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی رویکردهای مثبتی به کار گرفته‌اند. از سوی دیگر بنابر شواهد موجود، اکثریت زنان در بسیاری از کشورهای عربی از جایگاه نابرابری نسبت به مردان برخوردار بوده و همچنین بیشتر در بخش غیررسمی کار می‌کنند. علاوه بر این، جنبش «بهار عربی» که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد، زمینه‌بیکار و گرایش زنان به مشاغل غیررسمی را افزایش داد. از سوی دیگر وجود درگیری، تروریسم و استبداد کنونی در منطقه، مهاجرت برون مرزی افزایش یافته است و بر جمعیت زنان کارگر افزوده است. مادامی که نهادهای بین‌الملل همواره از اهرم‌های مختلفی برای تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان استفاده می‌کنند تا مبتنی بر معاهده‌ها، زمینه برابری جنسیتی محقق شود (خفقی و خالیک، ۲۰۱۹).

۱۰- وضعیت حقوقی زنان در کشورهای عربی

در همین راستا بحرین با توجه به وجود حکومت دیکتاتور و نظام سیاسی استبدادی، حقوق زنان در پایین‌ترین سطح می‌باشد. وجود گزارش‌های متعدد در خصوص تجاوز به زنان در زندان‌ها و مراکز پلیس، آزار و اذیت، قوانین تبعیض‌آمیز، عدم جایگاه مناسب اجتماعی از جمله مواردی است که در خصوص زنان بحرینی وجود دارد. همچنین سازمان عفو بین‌الملل، معتقد است، زنان عربستانی حق رأی دادن ندارند و تحصیلات عالی محرومند و قادر به سفر یا کار نیستند و در زمینه حق ازدواج نیز با محدودیت مواجه‌اند و به نظر می‌رسد که در منازل نیز با آنان رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود و به عبارتی خشونت علیه زنان در خانواده‌های عربستانی به شدت افزایش یافته است. سازمان عفو بین‌الملل گزارش می‌دهد، این مسائل مانع بزرگی بر سر راه آزادی آنها به شمار می‌رود (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). این درحالی است که به دلیل فشارهای بین‌المللی و موافقت‌های صورت گرفته، وضعیت زنان در کشور عربستان دچار استحاله و تغییراتی مثبتی شده است. عمان و قطر به عنوان یکی دیگر از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، تا چند دهه قبل به دلایل سنتی و ایدئولوژیک شرایط سختی را برای زنان ایجاد کرد. این درحالی است که به دلیل فشارهای بین‌المللی، کشور عمان طی ۴ دهه تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرده است و در وهله اول طبق وضع قوانین جدید کشور، تمامی زنان همچون مردان از فرصت برابر تحصیلی برخوردار شدند. ایجاد یک سیستم آموزشی دولتی زمینه حضور حداکثری زنان در جهت کسب مدارک تحصیلی فراهم کرده است. از سوی دیگر اگرچه وضعیت اشتغال برای

زنان در عمان و قطر بهبود پیدا کرد، اما کماکان اختلاف و تفاوت عمیقی با مردان دارد (الابری، ۲۰۱۸). گذار کشور کویت از نابرابری بین زنان و مردان به نسبت دیگر کشورهای عربی بهتر بوده است. در کویت، بیش از هر جای دیگر در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، زنان نقشهای برجسته ای را در زندگی حرفه ای ایجاد می کنند و از موقعیت بهتری برخوردارند به طوری که زنان در این جامعه سنتی، در کنار مردان، به عنوان حقوقدان، دانشجوی، دیپلمات، پزشک، معلم، استاد دانشگاه، مهندس، سرمایه گذار، رییس دانشگاه، معاون وزیر و غیره فعالیت می کنند. ولی با این حال زنان کویت از بارزترین حقوق خود یعنی حق رأی دادن و نمایندگی مجلس محروم می باشند. بر اساس ماده ۴۱ قانون اساسی کویت، زنان و مردان کویتی حق دارند در زمینه ای که مورد علاقه و تخصص آنان می باشد، مشغول به کار شوند، دولت هم موظف است که زمینه های فعالیت و اشتغال را به طور برابر برای همه شهروندان، اعم از زنان و مردان فراهم نماید. متعاقباً زنان در امارات متحده عربی به زنانی اشاره دارد که در کشور امارات متحده عربی زاده شده اند یا در این کشور زندگی می کنند. شرایط اجتماعی زنان این کشور شباهتهایی به شرایط زنان در دیگر کشورهای جهان سوم دارد و همچنان قوانینی بر ضد زنان در این کشور وجود دارد. برای نمونه، زنان این کشور باید از یک سرپرست مرد برای ازدواج اجازه بگیرند. با این حال، در سالهای اخیر قوانینی تصویب شدند که آزادی های اجتماعی و کاری بیشتری به زنان می دهند. عدالت و آزادی های بیشتر برای زنان به اقتصاد کشور و شرایط کلی کشور کمک شایانی کرده است به نحوی که بسیاری از زنان کارآفرین و سرشناس از کشورهای همسایه به این کشور جذب شده اند (دهقانی، ۱۳۹۸).

۱۱- حقوق شهروندی زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

در شیخ نشین های خلیج فارس، مشروعیت سیاسی حکومت از نوع سنتی و از طریق اتحاد بین خاندان سیاسی حاکم و علمای محافظه کار و رؤسای قبایل بوده است، چنین اتحاد و ائتلاف یکی از مهمترین موانع در مقابل فعالان زن و نهادهای مدنی ضعیف آنان در پیشبرد حقوق شهروندی شان بوده است. گرچه این اتحاد در سایر کشورهای عربی خاورمیانه آشکار نیست، زنان و نهادهای مدنی زنان با مخالفت ها و مقاومتها از ناحیه علما و اسلام گرایانی رادیکال مواجه بوده اند، به علاوه، توده های برخوردار از فرهنگ تابعیت نیز رغبتی به حمایت از فعالان زن و حقوق زنان نداشته اند. علاوه بر موانع فوق، وجود شکاف ایدئولوژیک و آموزهای بین فعالان زن اسلام گرا و سکولار نیز در عدم شکل گیری جنبش اجتماعی فراگیر در حمایت از حقوق شهروندی زنان در منطقه خاورمیانه عربی اثرگذار بوده است. مواضع لیبرالی و غربگرای برخی فعالان حقوق زنان نیز بر عدم پذیرش عمومی حقوق شهروندی زنان و نهادهای مدنی آنان از سوی توده ها و بر جدیتر شدن مخالفت های حکومت و علمای محافظه کار اثرگذار بوده است. مدافعان و فعالان زن لیبرال در تلاش بوده اند تقریباً محتوا و روشهای فعالان زن سکولار و غربی را در خاورمیانه پیاده کنند، آنان با اتخاذ موضع نسبی گرایی فرهنگی خواستار برابری کامل حقوق زنان و مردان هستند، محدودیت های سنتی و شرعی موجود را چندان نمیپذیرند، امیدی به عقلانی کردن پدرسالاری در در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ندارند. طبق گزارش های نهادهای حقوق بشری زنان در کشورهای عربی تحت انواع خشونت های خانگی و اجتماعی قرار دارند. مشخصه اصلی بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، حکومت دیکتاتور و نظام سیاسی استبدادی، تنزل حقوق زنان، نابرابری در اشتغال، موانع ایدئولوژیک و ساختاری است. در پایین ترین سطح میباشد. ماهیت نظام حقوقی نابرابر و فشار های همه جانبه بر زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را می توان در سایه بی توجهی به قوانین بین المللی حقوق بشر از سوی نظام های داخلی و از سوی دیگر نبود اهرم های فشار موثر توسط نهادهای بین المللی حقوق بشری عنوان کرد (فرجی، ۱۳۹۶: ۲۳).

۱۲-مهم ترین اقدامات کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در راستای حمایت از حقوق زنان

جدول وضعیت زنان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

ردیف	کشور	اقدامات صورت گرفته در راستای موازین حقوق بشر
۱	بحرین	اعطای حق رأی به زنان تشکیل نهادهای مدنی حضور زنان در کابینه دولت و انتخابات مجلس افزایش فرصتهای مطالعاتی تحصیلات دانشگاهی برای زنان
۲	عربستان	حق رأی حق نامزدی در انتخابات اعطای حق رانندگی تعامل با شورای حقوق بشر حضور زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی افزایش مشارکت اقتصادی زنان در عربستان دگرگونی در نظام آموزش و تخصیص بورسیه تحصیلی آمریکا برای زنان اجازه دریافت مجوز کسب و کار ارتقای شغلی(حق وکالت) استخدام در ارتش
۳	عمان	حمایت از آموزش زنان تخصیص بورسیه تحصیلی برای زنان تعدد مشاغل برای زنان افزایش ۴۰٪ فعالیت اقتصادی زنان افزایش مشارکت اجتماعی زنان
۴	قطر	برداشتن سانسور و نظارت دولت بر مطبوعات آزادی فردی و اجتماعی زنان از قیود سنتی از زنان استیفای حقوق اجتماعی و مدنی زنان اعزام هیئت فرهنگی زنان به کشورهای اروپایی ابلاغ دستورالعمل جهت استخدام زنان توسط دولت اجازه رانندگی و هدایت خودرو به زنان انتخاب خانم شیخه المحمود به عنوان قائم مقام وزارت آموزش و پرورش برگزاری گردهمایی های بین المللی در راستای حمایت از حقوق زنان حضور زنان در انتخابات و عرصه های سیاسی حمایت از مشاغل آزاد زنان در عرصه های اقتصادی
۵	کویت	حق رانندگی حق تحصیل استقلال و حق مسافرت بدون همسر و پدر اشتغال در بازار کار(با حفظ موازین سنتی و دینی) مشارکت نسبی زنان در عرصه های سیاسی

		تشکیل چندین اتحادیه برای زنان کویت (جمعية الرعاية الإسلامية و...)
۶	امارات	افزایش آزادی اجتماعی بهبودی وضعیت اشتغال زنان (رتبه دوم اشتغال زنان در خاورمیانه با ۴۱٪) حمایت و جذب زنان کارآفرین از کشورهای همسایه تشکیل موسسه «اتحادیه عمومی زنان» به ریاست فاطمه بنت مبارک تدوین طرح راهنمای «توازن جنسیتی»

۱۱- نتیجه گیری

برابری جنسیتی یک حق اساسی بشری است که مدت هاست زنان بیشتر جوامع از آن محروم شده است، و علیرغم پیشرفت در برخی زمینه ها، هنوز چالش های قابل توجهی برای دستیابی به برابری جنسیتی واقعی باقی مانده است. بسیاری از کشورها در حال حاضر برای دستیابی به برابری جنسیتی تلاش می کنند و قوانین بین المللی بسیاری وجود دارد. چارچوب های نظارتی و سیاستی در مورد برابری جنسیتی، مانند اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق و منافع زنان و کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان در حال فعالیت است. با این حال، هنوز مشکلات نابرابری جنسیتی از جمله کلیشه ها، موانع تحرک طبقاتی و تبعیض جنسیتی وجود دارد.

متعاقبا دو مسئله اصلی مورد بررسی قرار گرفت، در ابتدا سیاست های نظام جهانی و حقوق بشر در راستای حمایت از حقوق زنان در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت و در بخش دوم سازوکار کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با محوریت حمایت از حقوق زنان که متأثر از قوانین بین الملل بوده است، مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا، به بحث وضعت گذشته زنان در کشورهای عربی و یا اثربخشی سیاست های بین الملل پرداخته نشده است و محور اصلی تمرکز اقدامات صورت گرفته بر اساس موازین حقوق بشر، کنوانسیون و معاهده های بین الملل بوده است. با نگاهی به تاریخچه وضعیت زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، باید گفت تا قبل از سه دهه اخیر، زنان از بسیاری حقوق اجتماعی و مدنی در جامعه محروم بودند و پس از شکل گیری نظام جهانی در حوزه حقوق زنان و برقراری تعاملات بین کشورهای مذکور با جهان، وضعیت زنان در سه دهه اخیر تا حد زیادی تغییر کرده است. بحرین، عربستان، کویت، عمان و قطر از جمله کشورهای عربی بوده اند که در یک قرن اخیر در حوزه زنان تحولات قابل توجهی را تجربه کردند. از سوی دیگر، به دلایل فشارهای بین المللی، وضعیت تحصیلات و اشتغال زنان بیشترین تحول را داشته است، این درحالی است که وضعیت مشارکت سیاسی و ایجاد فرصت برابر برای زنان در حوزه های سیاسی و حضور در ساختار حاکمیتی پیشرفت چندانی نداشته است و عمدتا قوانین حقوق بشر بین الملل به طور کامل اجرا نشد. البته وضعیت زنان در کشور بحرین نسبت به دیگر کشورها تغییرات چندانی پیدا نکرد و از سوی دیگر کویت بهترین وضعیت سیاسی و اجتماعی را برای زنان ایجاد کرد. به طور کلی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به دلیل پیشینه تاریخی و فرهنگی، موانع اعتقادی و سنتی آسیب های جدی به جایگاه زنان در سده های پیشین وارد کردند و همواره زنان نسبت

به مردان جایگاه فرودستی را اشغال می کردند، این درحال است که با شکل گیری کنوانسیون های بین المللی و حمایت جهانی از حقوق زنان و تدوین ضمانت های اجرایی، مناطق در حال توسعه همچون کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تحت تاثیر سیاست های جهانی در حوزه حقوق زنان قرار بگیرند نا جایی که وضعیت آموزش، تحصیلات، اشتغال، آزادی های مدنی و حتی مشارکت های سیاسی زنان نسبت به دهه های پیشین به شدت افزایش پیدا کند. اگرچه هنوز به طور کامل تغییرات در حوزه زنان ایجاد نشده است، اما با تداوم حمایت های بین الملل و تشکیل اتحادیه و جنبش های داخلی توسط زنان این امر به طور کامل محسوس خواهد شد. از طرف دیگر، یکی از ابعاد اصلی فرهنگی، تغییر نگرش و باورهای جامعه و حاکمیت های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نسبت به زنان و حقوق اجتماعی آن بوده است که زعم دیدگاه نگارنده این تحول و تغییر فرهنگی در حال تکامل است و در آینده ای نزدیک قطعاً شاهد تغییرات گسترده ای در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و همچنین ترفیع جایگاه زنان خواهیم بود. هژمونی نظام جهانی سبب شد تمامی کشورهای درحال توسعه و جهان سوم و همچنین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در تمامی ابعاد فرهنگی و اجتماعی در مسیر تفکرات و چارچوب فرهنگی کشورهای مرکزی حرکت کنند.

۱۲-منابع:

- باوی، ساسان؛ زویدادی، جمیله؛ روشنی سالار، اشرف(۱۳۹۸)، نقش زنان در شبکه های اجتماعی، اولین همایش ملی زن مسلمان ایرانی در آیین الگوی پیشرفت پنجاه ساله، ری.
- بخشی، بهاره؛ نصیری، بهاره، بختیاری، آمنه؛ طاهریان، مریم(۱۳۹۲) نقش و کارکرد شبکه های اجتماعی (مطالعه موردی شبکه اجتماعی کفه مام، شبکه ای برای مادران و کودکان). فصلنامه پژوهشنامه زنان، دوره ۴، شماره ۸ - شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ مهر ۱۳۹۲ صفحه ۳۷-۵۹
- راعی، مسعود؛ جمالی، حمیدرضا، رئیسی، لیلا(۱۳۹۹) نقش «وجدان» در پدیداری حقوق، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۱۲، شماره ۳ پاییز ۱۳۹۹ صفحه ۶۵-۲۹
- رفیعی، محمدتقی، دباغی، مجید(۱۳۹۳) جهانی شدن و حقوق زنان؛ فرصت ها و چالش ها، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن سال پنجم/ شماره ۱ چهاردهم/ زمستان ۱۳۹۳ (پیاپی ۱۷)
- رمضانی، پونه و مشهدی، علی(۱۳۹۴)، بررسی نقش سازمان های مردمی غیر دولتی در ارتقاء حقوق بشر در کشور های جهان سوم مطالعه موردی ایران NGO، دومین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز.
- شاهی، محمد شریف؛ جلالی، محمود(۱۳۹۸) نقش سازمان های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی تابستان ۱۳۹۱، دوره شانزدهم - شماره ۲، علمی-پژوهشی (وزارت علوم) ISC ۲۸ صفحه - از ۹۹ تا ۱۲۶
- شیبانی، درنا؛ ماجدی، مسعود(۱۳۹۵) بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان نمونه موردی: بانوان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران - ۱۳۹۵ عبداللهیان، حمید؛ هومن، نیلوفر(۱۳۹۸) نقش شبکه های اجتماعی در توانمندی زنان از منظر صاحب نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات / سال شانزدهم/ شماره ۸۵ / بهار ۱۳۹۸
- غلامی، علی(۱۳۹۵) نقد ممنوعیت پوشش مذهبی به عنوان حقوق بشر در فرانسه، حقوق بشر و شهروندی سال اول بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۳۱-۷۱
- کفاش نیری، محمد؛ گودرزی، مهناز(۱۳۹۸) جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط بین الملل، دوره ۱۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۷ بهار و تابستان ۱۳۹۸ صفحه ۴۲-۱۹
- گرت، استفانی؛(۱۴۰۳) جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتابون بقایی، نشر دیگر، چاپ چهارم،
- فرجی، ملیحه(۱۳۹۶) وضعیت حقوق بشری زنان بحرین؛ بررسی عملکرد حاکمان این کشور، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سال سوم پاییز ۱۳۹۶ شماره ۹
- مهرپور حسین(۱۳۸۸) سازوکارهای بین المللی و میزان بازدارندگی آنها در نقض حقوق بشر. عنوان نشریه: روابط خارجی. اطلاعات شماره: زمستان ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۴؛ از صفحه ۷ تا صفحه ۴۲.
- نقیب السادات، سید رضا(۱۳۷۹) جهانی سازی و ابزارهای جهانی شدن، منبع: فصلنامه، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۷۹ شماره ۱۰

Gillis, Elizabeth (January ۲۰, ۲۰۱۷). "Ahead Of The Boston Women's March, A Look Back ۴۷Years Ago". WBUR.

Hua, Wenxi(2024) Gender Inequality: A Multi-Perspective Analysis, Proceedings of the 2nd International Conference on Social Psychology and Humanity Studies, Lecture Notes in Education Psychology and Public Media 42(1):200-204.

Hosken, Fran P. , 'Towards a Definition of Women's Rights' in Human Rights Quarterly, Vol. ۳, No. ۲. (May, ۱۹۸۱), pp. ۱۰-۱

Noormawati(2024) Women's Rights and Gender Equality. Indonesian Journal of Islamic Jurisprudence, Economic and Legal Theory. July 2024. E-ISSN: 3031-0458

Maha Yahya(2020) Advancing the Rights of Women and Girls in the Middle East: An Analysis of Current Trends and U.S. Policy. Director : Malcolm H. Kerr Carnegie Middle East Center Carnegie Endowment for International Peace Testimony before the House of Representatives Foreign Affairs Committee . December 2, 2020

Khafagy, Fatemah, Abdel Khalik, Zeina(2019) WOMEN'S ECONOMIC JUSTICE AND RIGHTS IN THE ARAB REGION, Arab States Civil Society Organizations and Feminists Network Statement

Abstract

One of the challenges of human rights that always persists in various forms is the unequal rights of women compared to men. On the other hand, with the process of globalization, effective measures to eliminate inequalities in women's rights in developing countries have gained strength. The purpose of this article is to examine the role of globalization of human rights on reforming the system of protection of women in the Arab countries of the Persian Gulf. Also, using the descriptive-documentary research method, the study of international conventions and treaties related to women's rights and their impact on the status of women's rights in the Arab countries of the Persian Gulf was examined. Subsequently, the main question of this article is how the status of the reform of the system of protection of women's rights in the Arab countries of the Persian Gulf can be analyzed and evaluated in light of the development and expansion of international human rights in the era of globalization? On the other hand, it is assumed that the status of the system of protection of women's rights in the Arab countries of the Persian Gulf, despite the relative dominance of traditional culture, violence and discrimination in the form of measures such as paying attention to eliminating relative discrimination, accepting the right to vote, economic enjoyment and international supervision, can be analyzed and evaluated in light of the development and expansion of human rights in the era of globalization. According to the findings of the research, the human rights system has established various conventions and treaties with the focus on eliminating discrimination, promoting the social and political status of women, and controlling men's violence against women. The development of executive strategies and the creation of executive guarantees have improved the status of women in the Arab Gulf countries in terms of educational status, employment, political seats, and social participation, and with the formation of the global system, the status of women has changed greatly in the last three decades. The results showed that the formation of international conventions and global support for women's rights has led to an increase in the status of education, training, employment, civil liberties, and even political participation of women in the Gulf countries compared to previous decades. Although changes in the field of women have not yet been fully achieved, this will be fully realized with the continuation of international support and the formation of unions and domestic movements by women.

Keywords: women's rights, human rights, Arab Gulf countries, globalization